

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن  
برگردان از: نیکوپوروزان  
۱۸ نومبر ۲۰۱۶

## ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۱۰

### عملیات تهاجمی تت – نقطه عطف

گفتن این که ما به پیروزی نزدیکتر شده‌ایم، آن هم به رغم تمامی شواهد و علایم موجود، به این معناست که می‌خواهیم با خوشبین‌هایی که در گذشته نیز بسا به خطا بوده‌اند هم عقیده باشیم .... این به من خبرنگار کاملاً روشن است که تنها راه منطقی برون‌رفت از این بن‌بست مذاکره کردن، آن هم نه از موضع پیروز بلکه از موضع انسان‌های شرافتمندی است که بهترین کاری را که از دستشان بر می‌آمده، انجام داده‌اند.

والتر کرانکایت، بنگاه خبر-پراکنی سی بی اس<sup>۱</sup>

هنگامی که جنرال وستمورلند در سال ۱۹۶۷ و به دستور لیندن جانسن در گشت ایالات متحده از به اصطلاح "ریزش نیروهای ویت کنگ" و به پایان رسیدن جنگ سخن می‌گفت در زیر پایش زمین لرزه‌ای - یعنی عملیات تهاجمی تت - در حال شکل گرفتن بود.<sup>۲</sup> عملیات تت نقطه عطفی در جنگ امریکا در ویتنام بود. این عملیات تأثیر عمیقی بر سیاست داخلی ایالات متحده گذاشت. پس از عملیات تت این پرسش که ایالات متحده کی به پیروزی خواهد رسید دیگر مطرح نبود، بلکه در عوض این پرسش اساسی مطرح گردید که ایالات متحده کی از ویتنام خارج خواهد شد.

تت، سال نو قمری و بالطبع مهمترین فصل تعطیلات در ویتنام است. در این تعطیلات خویشاوندان مسافت‌های طولانی را برای دیدن و بازدید سفر می‌کنند. از آن جایی که بمباران مداوم روستاها جمعیت وسیعی را به شهرها رانده بود بنابراین در این تعطیلات تعداد زیادی به شهرهای بزرگ مسافرت می‌کردند. آتشبازی در این ایام رسم بوده و حضور غریبه‌ها امری کاملاً "نرمال" بود. این همه شرایط بسیار مناسبی را برای انجام یک عملیات نظامی فراهم آورد. عملیات تت یک سال پیش‌تر از آن در هانوی و با تأیید شخص هو چی مین طرح ریزی شده بود. اگرچه در گذشته نیز

<sup>1</sup> Quoted in Walter Cronkite, *A Reporter's Life* (New York: Alfred A Knopf, 1996), pp. 257-258.

<sup>2</sup> Quoted in Karnow, p. 514.

عملیات نظامی متعددی در ایام تت انجام شده بود، اما، عملیاتی که برای فیروزی ۱۹۶۸ طرح ریزی شده بود چیزی جز تلاش برای تغییر جهت دادن جنگ به ضرر ایالات متحده نبود.

در حقیقت این عملیات در اواخر سال ۱۹۶۷ و با اجرای عملیات گمراه کننده از سوی ارتش ویتنام شمالی و جبهه آزادیبخش ملی با هدف دور ساختن نیروهای نظامی امریکا از مراکز عمده شهری آغاز شده بود. تا پیش از عملیات تت، جنگ به طور عمده به مناطق روستائی محدود شده و مراکز مهم شهری سهم چندانی در آن نداشتند. روزنامه له موند در جنوری ۱۹۶۸ گزارش داد که "عملیات تهاجمی و مستمر" امریکائی‌ها را در مواضع دفاعی زمین‌گیر نموده است.<sup>۳</sup> در بیستم جنوری نیروهای ویتنام شمالی دست به محاصره پایگاه تفنگداران نیروی دریائی ایالات متحده در **خه سان**<sup>۴</sup> در نزدیکی مرز **لانسون** زدند. **وستمورلند** کاملاً متقاعد شده بود که ویتنامی‌ها به دنبال تکرار پیروزی **دئین بنین** **فو در خه سان** هستند. **جانسن** آن چنان از این وضع دست‌پاچه شده بود که مدلی از **خه سان** را در **کاخ سفید** داشت و از جنرال‌ها خواسته بود که تعهد کنند که **خه سان** به هر قیمتی حفظ خواهد شد. گزارش شده که وی مرتب به جنرال‌ها نهيبي می زده که "من از این دین بین فو لعنتی نفرت دارم!"<sup>۵</sup>

مشغله دائم ذهنی **وستمورلند** و **جانسن** با **خه سان**، پایگاهی که دارای اهمیت ستراتژیکی چندانی نبود، نشان دهنده این واقعیت است که این‌ها درک درستی از میدان نبرد نداشته اند. در حالی که ارتش ویتنام شمالی تظاهر به محاصره **خه سان** نموده و **وستمورلند** در فرستادن نیروهای کمکی شتاب می‌نمود، جبهه آزادیبخش ملی با فرصت تمام [برای عملیات تهاجمی تت] موضعگیری می‌نمود. در جنوری ده‌ها هزار تن از رزمندگان جبهه وارد شهرهای بزرگ استان‌های مختلف شدند. حجم بزرگی از اسلحه و مهمات با استفاده از تابوت به گورستان‌های نزدیک آورده شده و برای استفاده در آینده جاسازی گردید. **ویت کنگ‌ها** پس از آن که وارد شهرها می‌شدند به سرعت با کمک شبکه‌های مخفی در جمعیت بومی شهر ادغام شده و خود را به عنوان خویشاوندانی که برای بازدید اقوامشان آمده‌اند جا می‌زدند.<sup>۶</sup> این واقعیت که هیچ گزارشی در مورد این نقل و انتقالات و این چنین صف‌آرایی بزرگ نظامی به حاکمیت در سایگون فرستاده نشد، نشان دهنده ریشه‌داری عمیق و وجود حمایت وسیع از نهضت مباره ملی در جامعه بود.

عملیات در شب ۲۹-۳۰ جنوری با تهاجم هفتاد هزار رزمنده جبهه آزادیبخش ملی و سربازان ارتش ویتنام شمالی به مراکز ۳۴ استان، ۶۴ بخش مرکزی و بسیاری از پایگاه‌های نظامی آغاز شد. بیش از صد هدف در سراسر ویتنام جنوبی و از جمله سفارت ایالات متحده، دژ به اصطلاح مستحکم **آبرقدرت** امریکا، مورد تهاجم قرار گرفت. **هونی**، پایتخت باستانی ویتنام، به دست نیروهای انقلابی افتاد.<sup>۷</sup> به گفته **استنلی کارنا**، مؤرخ لیبرال و ضد-کمونیست، "این شاهکاری بود که ایالات متحده و افکار عمومی جهان را حیرت‌زده نمود."<sup>۸</sup> **وستمورلند** تلاش نمود تا این عملیات تهاجمی را به عنوان لرزه مرگ جبهه آزادیبخش ملی وانمود ساخته و آن را با **نبرد بالچ**<sup>۹</sup> آلمان‌ها در آخرین مرحله جنگ جهانی دوم در اروپا مقایسه کند.

<sup>3</sup> David Hunt, "Remembering the Tet Offensive" in Gittleman, et. Al., p. 364.

<sup>4</sup> Khe Sanh

<sup>5</sup> Quoted in Karnow, p. 541.

<sup>6</sup> Quoted in Hunt, p. 365.

<sup>7</sup> Hunt, p. 366.

<sup>8</sup> Karnow, p. 525.

<sup>9</sup> Battle of Bulge

ایالات متحده این تهاجم را "با توسل به جنون آمیزترین شکل استفاده از نیروی آتشیاری که تا کنون دیده شده،"<sup>۱۰</sup> و به ویژه با توسل به نیروی هوایی، پاسخ گفت. به گفته یکی از مشاوران نظامی ایالات متحده، "ویت کنگها خرخره حکومت سایگون را در آن شهرها گرفته بودند. با روش‌های متعارف هرگز نمی‌شد از پس آن‌ها برآمد و حکومت [سایگون] نیز برای انجام کار نیروی کافی در اختیار نداشت. بنابراین توان آتشیاری سنگین جایگزین روش‌های متعارف شد." شهر هوئی به مدت سه هفته زیر کنترل نیروهای جبهه قرار داشت و تنها پس از آن که امریکائی‌ها شهر را با خاک یکسان کردند باز پس گرفته شد. رابرت شی‌پین<sup>۱۱</sup> که بعد از سقوط شهر به دست امریکائی‌ها از خرابه‌های شهر دیدن کرد، نوشت: "آن چه که در هوئی دیدم تا کنون در ویتنام و یا در هیچ کجای دیگر ندیده بودم."<sup>۱۲</sup> شهر بان‌تره در استان کنین هوآ به دست امریکائی‌ها محو گردید. فرمانده نیروهای امریکائی که مسئول بازپس گرفتن شهر بود به خبرنگاران گفت که، "برای آن که شهر را نجات دهیم باید نابودش می‌کردیم."<sup>۱۳</sup>

در حالی که توان و حجم آتش امریکائی‌ها تهاجم تت را به پس راند، اما، بهائی که پرداخته شد بسیار سنگین بود. در طول این تهاجم نیروهای ویتنام جنوبی در زیر پای نیروهای جبهه و ارتش ویتنام شمالی له شدند. تعداد تلفات امریکائی‌ها بین سی‌ام جنوری و پایان ماه مارچ نزدیک به چهار هزار نفر بود. روحیه باختگی در میان نیروهای امریکائی پس از عملیات تت کاملاً آشکار بود، امری که به پروسه تخریب و طغیان در صفوف ارتش ایالات متحده دامن زده به طوری که در سال‌های آتی به حد بحران رسید. در گزارشی که در سوم مارچ توسط وزارت خارجه صادر شد این گونه نتیجه‌گیری شده است: "آن چه که امروز می‌دانیم این است که پس از افزایش سنگین نفرت نظامی ایالات متحده به پانصد هزار نفر، و ریختن ۱/۲ میلیون تن بمب، و چهارصد هزار پرواز، دویست هزار کشته در طی سه سال که بیست هزار امریکائی را نیز شامل می‌شود، سطح کنترل ما بر مناطق روستائی و دفاع از مناطق شهری اساساً در سطح پیش از اگست ۱۹۶۵ قرار دارد. آن چه که ما به آن دست یافته‌ایم بنیستی با الزاماتی سنگین است."<sup>۱۴</sup> رزمندگان ویتنامی قهرمانانه جنگیدند. برای مثال، یک هزار رزمنده در سایگون به مدت سه هفته در برابر بیش از یازده هزار نفر از نیروهای امریکائی و ویتنام جنوبی ایستادند. با این همه، باید به این نکته نیز اشاره نمود که تت برای نیروهای ملی، به ویژه برای جبهه آزادیبخش ملی، نیز بسیار گران بها بود. قیام‌های شهری که انتظار می‌رفت به دنبال این عملیات رخ دهد اتفاق نیفتاد. از آن گذشته، افزون بر تلفات سنگینی که از سوی ایالات متحده بر نیروهای جبهه و ارتش ویتنام شمالی در طی بازپس‌گیری شهرها وارد آمد، غیبت نیروهای جبهه در روستاها موجب آسیب‌پذیری پایگاه‌های جبهه شد.

با این وجود، تأثیر سیاسی عملیات تت بر سیاست داخلی ایالات متحده آنی و چشمگیر بود. اگر چه محبوبیت عمومی جانسن در دو سال پیش از آن پیشاپیش در حال افول بود، این عملیات، اما، به اعتبار وی در افکار عمومی ایالات متحده به شدت لطمه زد. شش هفته پس از شروع عملیات تت "تأیید عملکرد عمومی وی توسط مردم از ۴۸ درصد به ۳۶ درصد رسیده و مهمتر از آن موافقت با شیوه وی در اداره امور جنگ از ۴۰ درصد به ۲۶ درصد کاهش یافت."<sup>۱۵</sup>

<sup>10</sup> Quoted in Young, p. 219.

<sup>11</sup> Robert Shapen

<sup>12</sup> Ibid., p. 217.

<sup>13</sup> Hunt, p. 368.

<sup>14</sup> Ibid., p. 369.

<sup>15</sup> Karnow, p. 546.

در مرحله مقدماتی انتخابات، کاندیدای حزب دموکرات برای ریاست جمهوری، **یوجین مکارتی**<sup>۱۶</sup>، سناتور تازه‌کار از **مینه‌سوتا**<sup>۱۷</sup>، نزدیک بود که **جانسن** را در **نیو همپشر**<sup>۱۸</sup> شکست دهد. بلافاصله پس از این، **رابرت کندی**<sup>۱۹</sup> نیز اعلام نمود که وی با پلاتفرم ضد-جنگ به جرگه کاندیداهای ریاست جمهوری خواهد پیوست. **رابرت مک‌نم‌آرا**، وزیر دفاع و معمار جنگ ویتنام، از کار برکنار شده و **کلارک کلیفورد**<sup>۲۰</sup> به جای وی به وزارت دفاع برگزیده شد. **کلیفورد** که یک وکیل با سابقه در واشنگتن و مشاور کاندیداهای ریاست جمهوری حزب دموکرات بود، بررسی هم‌جانبه از سیاست‌های جنگی ایالات متحده در ویتنام را آغاز نمود که در نهایت وی را به نیاز خروج ایالات متحده از ویتنام متقاعد ساخت. **جانسن** در محاصره قرار گرفته بود.

آخرین ضربه به **جانسن** از سوی به اصطلاح "ریش سفیدها"، کسانی که تا همان اواخر حامی سیاست‌های جنگی وی بودند، وارد شد. این به اصطلاح "ریش سفیدها" از ارشدترین مشاوران سیاست خارجی در ایالات متحده بودند. بسیاری از این‌ها را می‌توان معماران پس از جنگ [دوم] نامید که از جمله می‌توان از میان‌شان از **دین اچ‌سن**<sup>۲۱</sup> (وزیر خارجه در کابینه **ترومن**)، **جان جی. مک‌کلوی**<sup>۲۲</sup> (کمیسر عالی امریکا در المان اشغالی) و بسیاری دیگر نام برد. این گروه در هژدهم مارچ با **جانسن** ملاقات کرده و به وی گوشزد نمودند که سیاست‌های وی ویرانگر بوده و خروج از ویتنام به نفع ایالات متحده است. **جانسن** کاملاً غافلگیر شده بود.<sup>۲۳</sup> **والتر کرانکایت**، از پیش‌کسوت‌های ژورنالیسم خبر پراکنی امریکا، ذهنیت طبقه حاکم ایالات متحده در آن زمان را در طی گزارشی در مورد ویتنام در ۲۷ فبروری این گونه خلاصه نمود: "گفتن این که ما به پیروزی نزدیکتر شده‌ایم، آن هم به رغم تمامی شواهد و علایم موجود، به این معناست که می‌خواهیم با خوشبینی هائی که در گذشته نیز بسا به خطا بوده‌اند هم عقیده باشیم .... این به من خیرنگار کاملاً روشن است که تنها راه منطقی برون‌رفت از این بن‌بست مذاکره کردن، آن هم نه از موضع پیروز بلکه از موضع انسان‌های شرافتمندی است که بهترین کاری را که از دست‌شان بر می‌آمده، انجام داده‌اند." **جانسن** در سخنرانی ۳۱ مارچ خطاب به مردم امریکا اعلام نمود که در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا خواهد شد.<sup>۲۴</sup>

مبارزه انتخابات ریاست جمهوری کاملاً باز شده بود. جنبش ضد-جنگ به خروش آمده و این پرسش که ایالات متحده با چه سرعتی قادر به خروج از ویتنام است در صدر مسایل سیاسی جا گرفته بود. **تت** تنها صحنه آغازین در سالی بود که طبقه حاکم ایالات متحده در آن با یکی از سخت‌ترین دشواری‌های روبه‌رو می‌شد که در طول یک نسل پیش از آن بی‌سابقه بود. **مارتین لوتر کینگ**<sup>۲۵</sup> در ماه اپریل به قتل رسید و بیش از صد شهر در سراسر ایالات متحده شورش توده‌ها را شاهد بود. در ماه جون **رابرت کندی**<sup>۲۶</sup> پس از پیروزی‌اش در مرحله مقدماتی انتخابات در کالیفرنیا، به قتل رسید. حمله پولیس شیکاگو به تظاهرات ضد-جنگ در طی جلسه عمومی حزب دموکرات توجه جهانیان را به سرکوب سیاسی در امریکا جلب نمود. هم زمان در ویتنام، ارتش ایالات متحده از مشکلات انضباطی جدی گزارش داد که

<sup>16</sup> Eugene McCarthy

<sup>17</sup> Minnesota

<sup>18</sup> New Hampshire

<sup>19</sup> Robert Kennedy

<sup>20</sup> Clark Clifford

<sup>21</sup> Dean Acheson

<sup>22</sup> John J. McCloy

<sup>23</sup> Walter Isaacson and Evan Thomas, *The Wise Men* (New York: Touchstone, 1986), p. 676-713.

<sup>24</sup> For the full text of Johnson's speech, see "Peace in Vietnam and Southeast Asia" in Gettleman, et. Al., p. 401.

<sup>25</sup> Martin Luther King Jr.

<sup>26</sup> Robert F. Kennedy

سرآغاز شورش سربازان در ابعادی بود که تا آن زمان در تاریخ امریکا سابقه نداشت. ریچارد نیکسن<sup>۲۷</sup> در انتخابات ریاست جمهوری در نومبر ۱۹۶۸ به پیروزی رسید. از دلایل عمده پیروزی نیکسن در انتخابات این بود که تیم فعالیت‌های انتخاباتی وی این گونه القای شبهه کرده بود که گویا وی "طرحی مخفیانه" برای خاتمه دادن به جنگ در ویتنام دارد. اما، جنگ سبعانه و خونین ایالات متحده در ویتنام به مدت چهار سال دیگر در دوره ریاست جمهوری شخص نیکسن ادامه یافت.

---

<sup>27</sup> Richard Milhous Nixon, 37<sup>th</sup> President of the United States.